**فصل ضیافت (نصایح اخلاقی برای سالکان(**

حقیقت را باید از شریعت تحصیل نمود

**بخشی ازیك نامه از آیت الله شیخ حسنعلی نخودكی اصفهانی (متولد 1297 هـ.ق(**

عرض می‌کنم که روح طریقه حقیر، توجّه به نماز و معانی و نکات آن، درجه به درجه است. یعنی اشخاصی که مایل به طریقه حقیر هستند اول باید معانی صوری نماز را بفهمند، بعد تأویلاتی که عرض شد و بعد نکات دیگر. به همان نحو که مولانا الصادق علیه‌السلام در کلمه «ایّاکَ نَعبُدُ کَرَّرَها حتی غشی علیه» یعنی «[کلمه ایاک نعبد را] آنقدر تکرار فرمودند که حال بیهوشی به آن حضرت دست داد»، نه اینکه بی‌اعتنایی به احکام شرع باشد و تمام توجه به اذکار معطوف گردد. حقیقت را باید از شریعت تحصیل نمود.

حقیر طالب این مقام و سالک این راه بوده و بستگان این حقیر را نیز اعلام کنید که حقیقت را که ما در طلب آنیم باید از همین شریعت تحصیل کنیم و نه از جای دیگر، به همان نحو که ائمه علهیم‌السلام رفتار نموده و مشایخ ما تحصیل کرده‌اند. دیگران طریقتی که دارند غیر از این است و ما طالب و سالک آن نیستیم. باری خدا می‌‌داند که عقیده حقیر به سرکار غیر از این است که خیال کرده‌اید، اما چه کنم که خیال شما غیر از خیال حقیر است. حقیر هر چه دارم از همین طریقه پیدا کرده‌ام، جز آنکه صبوری می‌خواهد، چه کنم که خدا نمی‌خواهد.

کُن عَن اُمورِکَ مُعرِضاً                            وَکِّلِ الاُمورَ اِلَی القَضَا 1

فدایت شوم طریقه حقیر همین بوده است. تصرّف خود را كنار بگذارید و خود را به خدا سپارید؛

"ألیسَ اللهُ بِکافٍ عَبدَهُ؟" 2. امیدوارم خداوند به زودی فرج برساند، ولی تصرّف خود را کنار گذارید. معنای توکّل، واگذار نمودن امر است به خدای.

کار خود گر به خدا باز گذاری حافظ                        ای بسا عیش که با بخت خدا داده کنی

**منبع:**نامه‌های عرفانی

**پی‌نوشت‌ها:**

1- از دنیا خود روی‌گردان، و امور خود را به قضای الهی واگذار.

2- آیا خدا کفایت کننده بندگانش نیست؟ سوره زمر: آیه 36.

مبنای عمل

**بخشی ازیك نامه از آیت الله شیخ حسنعلی نخودكی اصفهانی (متولد 1297 هـ.ق(**

و در میان تمام مطالب دو مطلب را اهتمام نماید که اصل و مبنای عمل حقیر همین دو است: اول حلیت غذا، که تا می‌تواند دقت کند، اما نه آنقدر که از کار بیفتد بلکه به قدر مقدور. دوم حضور قلب است در نماز و اهتمام به نماز اول وقت که: «الصّلوةُ عَمُودُ الّدینِ... اِنْ قُبِلَت قُبِلَ مَا سِواهَا» 1.

بین‌الطلوعین را به چهار قسمت تقسیم کنید: یکی اذکار و تسبیح، دیگر ادعیه، سوم قرائت قرآن، و بالاخره فکری در اعمال روز گذشته. اگر موفق به طاعتی بوده‌اید شکر کنید و اگر خدای نکرده ابتلا به معصیتی یافته‌اید استغفار کنید. دیگر آنکه هر روز صدقه دهید، ولو به وجه مختصر. شب‌ها قدری در بی‌اعتباری دنیا و انقلاب آن فکر نمایید و ملاحظه کنید که دنیا با اهل دنیا چگونه سلوک می‌کند. می‌گویند انسان سه نوع خورش دارد، همان‌طور رفقای انسان نیز باید سه نوع باشند: یک نوع به منزله غذای هر روزه است، نوع دیگر به منزله دوا که سالی یک مرتبه لازم می‌شود، و نوع سوم حکم سم دارد که باید از آن اجتناب کرد.

نخست موعظه پیر مِی فروش این بود              که از معاشر ناجنس احتراز کنید.

**پی‌نوشت‌ها:**

1- نماز ستون دین است... اگر پذیرفته شود سایر اعمال نیز پذیرفته می‌شود. بحارالانوار: ج10 ص 394.

مبادا که از این انوار مقدس غافل شوی

**آیت الله محمد تقی اصفهانی (آقا نجفی)1262 هـ.ق**

بدان! بزرگترین و بایسته‌ترین کار برای سالک چنگ زدن به عنایت پیامبر اسلام و اهل پاک او و جلب شفاعت آنان است. آنان چونان ستارگان‌اند که وقتی یکی از دیده‌ پنهان شود دیگری بدرخشد. آنان خورشید ظلمت‌زا، آموزگاران اهل تقوا و حجت‌های خدا بر آفریدگانند و نیکوترین دعوت، ویژه آنان است. فروغ همه انوار و آشکار کننده و به فعلیت رساننده استعدادها و نتیجه‌هایند. از پرتو نور آنان، هستی پیدا شده است و به برکت وجود آنان استعدادها به فعلیت رسد و موجودات بار و نتیجه دهد. گنجینه اسرار حقّ‌اند. آغاز هر گشایش و پایان هر فرجامی به برکت وجود مبارک آنها است. 1 مبادا که از این انوار مقدس غافل شوی و از فیض کامل و همه‌گیرآنان محروم گردی. از رحمت پردامنه آنان نا امید مباش. زندگی و خط مشی آنان را الگوی خویش کن. بی‌گمان، آنان بهترین الگو و پیشوایند.

**پی‌نوشت:**

1- «بِکُم فَتَحَ اللهُ وَ بِکُم یَختِم». مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه کبیره.

نازكان را سفر عشق حرام است حرام

**آیت الله محمد بهاری متولد 1265**

كدام یك از اینها را طی كرده‌ای، تو كه توقع محرمیت اسرار و قابلیت انعامات خاصه را می‌نمایی تو برو این‌گونه توقعات را از خواب نوشین سحر و لقمه چرب سرشب و از بی‌مبالاتی روز و از معاشرت نااهل و از میل به هوی و هوس داشته باش، تا سر نسپاری، سرّت نسپارند، تا اختیار را وانگذاری، مختار مطلقت نكنند، تا رشته كائنات نبُری، رشته محبّت نپیوندند، این است كه گفته شده:

**نازكان را سفر عشق حرام است حرام**

**كه به هر گام در این ره خطری نیست كه نیست**

رضای خداوند در این است که بندگان همیشه در مقام تقرّب به او باشند

**آیت الله محمد تقی بهجت**

**باسمه تعالی**

همه می‌دانیم که رضای خداوند اجل- با آنکه غنی بالذّات بوده و احتیاج به ایمان بندگان و لوازم ایمان آنها ندارد- در این است [که]: بندگان همیشه در مقام تقرّب به او باشند.

پس می‌دانیم که برای [به جهت] حاجت بندگان به تقرّب به مبدأ الطاف و به ادامه تقرّب به درگاه الهی، محبت به یاد او و ادامه یاد او دارد.

پس می‌دانیم به درجه اشتغال به یاد او، انتفاع ما از تقرّب به او خواهد بود و در طاعت و خدمت او هر قدر کوشا باشیم به همان درجه مقرّب و منتفع و به قرب خواهیم بود و فرق بین ما و سلمان- سلام‌الله‌علیه- در درجه طاعت و یاد او- که مؤثر در درجه قرب ما است- خواهد بود.

و آنچه می‌دانیم که اعمالی در دنیا محل ابتلای ما خواهد شد، باید بدانیم که آنها هر کدام مورد رضای خدا است، ایضاً 1 خدمت و عبادت و طاعت او محسوب است. پس باید بدانیم که هدف باید این باشد که تمام عمر، صرف در یاد خدا و طاعت او و عبادت باشد تا به آخرین درجه قرب مستعدّ خودمان برسیم، و گرنه بعد از آنکه دیدیم بعضی به مقامات عالیه رسیدند و ما بی‌جهت عقب ماندیم پشیمان خواهیم شد.

وَفّقنَا اللهُ لِتَرکِ الاِشتِغالِ بِغَیرِ رِضَاهُ، بِمُحَمّدٍ وَآلِهِ صلوات الله علیهم اجمعین.

**مشهد مقدس**

**چهارشنبه 24/5/1375 هـ ش**

**مطابق با ربیع‌الاول 1417 هـ ق**

اگر لوطی‌ای، کو مردانگیت

**از نامه های آیت الله محمد بهاری متولد 1265**

اگر اهل علمی، کو عملت و حلمت، کو تواضعت و تخشّعت، کو زهدت؟ و اگر کاسبی، کو امانتت، کو تَفَقُّهَت، کو تدیّنت؟ اگر متعبّدی، کو توکلّت، کو مناجات در خَلَواتت، کو بیداری شبت، کو صوم ایام صیفت[تابستان] کو گریه‌های اطراف لیل و نهارت؟ اگر عارفی، کو معرفتت، کو تسلیم و رضایت، کو ترک ماسِوایت؟ اگر لوطی‌ای، کو مردانگیت، کو گذشتت، کو دستگیری از ضعفایت، اگر درویشی می‌گویند کلاه درویش باید مشتمل بر چهار ترک باشد، که هر ترکی کاشف باشد از ترک دیگری، اول ترک دنیا، دوم ترک عقبی، سوم ترک مولی، چهارم ترک ترک، کدام یکی از این ترک‌ها را انجام داده‌ای؟ 1

**پی‌نوشت:**

1- این‌چنین فرمود پیر معنوی         سالک سلک حقیقت مثنوی

در کلاه فقر می‌باید سه ترک          ترک دنیا ترک عقبی ترک ترک

و مراد از ترک ترک، ترک اراده خود او است که آن را مقام رضا می‌نامند، بر این مطلب اشاره دارد حکایت حضرت امام‌ باقرعلیه‌السلام و جابر، که وقتی از او احوال پرسیدند عرض کرد. فقر را بیشتر از غنی و مرض را بیشتر از صحّت می‌خواهم و دوست می‌دارم. پس حضرت مطلبی قریب به این مضمون فرمودند: «ما اهل بیت خواهش از خود نداریم، هر چه او می‌خواهد ما همان را می‌خواهیم».

و از این عبارت کتاب نفهمیدم که مراد از ترک مولا کدام است؛ زیرا که گفته‌اند:

«طالب الدنیا مونثّ و طالب العقبی مخنّث و طالب المولی مذکّر» و مراد از ترک ترک آن است که سالک تسلیم مولا شود یعنی اول ترک دنیا کند و بعد ترک عقبی و سپس ترک اراده خود نماید و خود را بشراشره تسلیم مولا کند و اراده خود را ترک گوید. امّا مقصود از ترک مولا را به هیچ وجه ملتفت نشدم و تا امروز هم ندیده‌ام که کسی زائد بر سه ترک گفته باشد.

**(حاشیه شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی)**

**منبع: آوینی**